

من همریت تابمن هستم!



نویسنده: برد ملتسر ★ کریستوفر الیوپولوس ★ شبنم حیدری پور
مترجم:

تصویرگر:

نویسنده:

آدم‌های معمولی
دنیا را تغییر
مردانند



ناشر خیلی متفاوت کتاب‌های کودک و نوجوان!

سرشناسه: ملتزر، برد / Meltzer, Brad
عنوان و نام پدیدآور: من هریت تابمن هستم! / نویسنده: برد ملتزر؛ تصویرگر: کریستوفر الیوپولوس؛ مترجم: شبنم حیدری پور
مشخصات نشر: تهران: نشر پرتقال، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری: ۴۴ ص؛ مصور (رنگی).
فروست: آدم‌های معمولی دنیا را تغییر می‌دهند
شابک: دوره: ۹۷۸-۶۲۲-۲۷۴-۲۴۹-۲؛ ۹۷۸-۶۲۲-۲۷۴-۲۴۶-۱
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
یادداشت: عنوان اصلی: I am Harriet Tubman (Ordinary People Change the World, 2018)
یادداشت: گروه سنی: ج.
موضوع: تابمن، هریت، ۱۸۲۲-۱۹۱۳ م. / Tubman, Harriet, 1822-1913
موضوع: تبعیض نژادی / Race discrimination
موضوع: برده‌داری / Slavery
موضوع: استقامت و پشتکار -- داستان / Perseverance (Ethics) -- Fiction
شناسه‌ی افزوده: الیوپولوس، کریس، ۱۹۶۷ م، تصویرگر / Eliopoulos, Chris
شناسه‌ی افزوده: حیدری پور، شبنم، ۱۳۶۹، مترجم
رده‌بندی دیویی: ۱۹۷۶/۱۴۷
شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۸۵۱۶۴۴۱
۷۲۳۳۹۰۱



انتشارات پرتقال

آدم‌های معمولی دنیا را تغییر می‌دهند: من هریت تابمن هستم!

نویسنده: برد ملتزر

تصویرگر: کریستوفر الیوپولوس

مترجم: شبنم حیدری پور

طراح جلد نسخه‌ی فارسی: مهدیه عصارزاده

آماده‌سازی و صفحه‌آرایی: مینا فیضی

مشاور فنی چاپ: حسن مستقیمی

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۷۴-۲۴۹-۲

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۲

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: نقش‌سبز

چاپ و صحافی: ترانه

قیمت: ۴۹۰۰۰ تومان



۳۰۰۰۶۳۵۶۴



۰۲۱-۶۳۵۶۴



www.porteghaal.com



kids@porteghaal.com

برای خواهرم بَری، یکی از قوی‌ترین آدم‌هایی که می‌شناسم؛ کسی که قدرت خانواده را
یادم می‌اندازد.

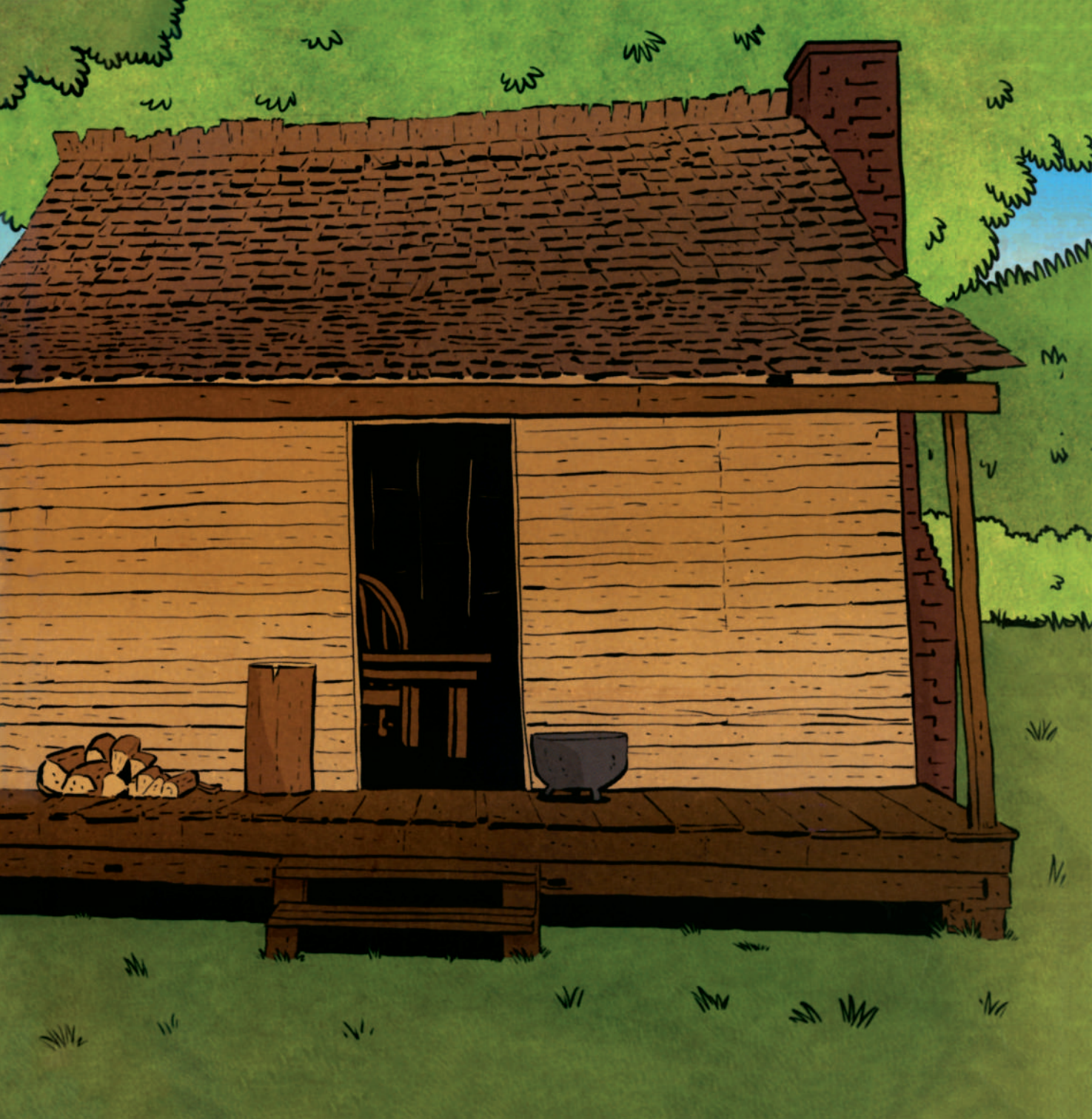
ب.م

برای مایک لانگ که در دوران دبیرستان و زندگی کم‌کم کرد و دنیای کمیک و داستان
مصور را به من شناساند.

ک.ا

برای همه‌ی آدم‌های معمولی که دنیا را تغییر می‌دهند.

ش.ح





من هريت تابمن هستم.

درباره‌ی ستاره‌ی شمالی چیزی می‌دانید؟
این ستاره یکی از پرنورترین ستاره‌های آسمان است.
خلاف ستاره‌های دیگر که انگار تکان می‌خورند، ستاره‌ی شمالی هرگز از جایش تکان نمی‌خورد.
وقتی پیدایش کنید، جهت شمال را نشان‌تان می‌دهد.

امروز دیگر مردم من را به
نام هریت تابن می‌شناسند. اما
آن زمان که به دنیا آمدم من را
آرامیتا یا میتی صدا می‌زدند.

من بچی پنجم در بین
نه بچه بودم و حدود سال
۱۸۲۲ در مریلند به دنیا
آمدم.

تولدت چه روزی
است؟

نمی‌دانم.

چطور ممکن است روز
تولد خودت را ندانی؟

چون من برده
بودم.



آن زمان که بچه بودم، در مناطق مشخصی از کشور آمریکا، بیشتر سیاه‌پوست‌ها برده بودند. چاره‌ی دیگری نداشتیم. بردگی یعنی مجبور بودیم بدون دستمزد کار کنیم. با ما خیلی بد رفتار می‌کردند.



نه! کارتان را
بکنید!

می‌شود آب
بنوشیم؟

برایم مهم نیست.
کارت را بکن!

دستم را ببردم.

ما در آلونک‌های کوچک و بدون پنجره زندگی می‌کردیم. یا روی زمین می‌خوابیدیم یا توی جعبه‌هایی که پُر از کاه بود. چون بچه بودیم، باید گونی می‌پوشیدیم. خبری از جشن تولد نبود و اصلاً کسی یادش نمی‌آمد ما کی به دنیا آمده‌ایم.